



تمامی اعمال و رفتار دربرگیرنده معنا و مفهوم خاصی میباشند.

فهم و درک رفتار براساس نظریه دلبستگی و وابستگی.

وابستگی یکی از نیازهای بنیادی و اساسی افراد محسوب میگردد بدین ترتیب وابستگی لازمه شکل گیری و سازمان یا فتگی رفتار و شخصیت فرد میباشند.

عبارات کلیدی و مهم:

(۱) همزمان با تولد انسان اولین مرحله ارتباط و وابستگی آغاز میگردد و در تمامی مراحل زندگی فرد ادامه میابد. بنابراین انسانها بدایر مراحل و شرایط مختلف زندگی با ارتباطات و وابستگی های مختلف مواجه میگردند. در تمامی مراحل زندگی همواره انسان نیازمند برقراری ارتباط با اطرافیان خویش میباشد. ارتباط و وابستگی والدین و فرزند و بالعکس یکی از مهمترین مراحل زندگی فرد محسوب میگردد و نقش مهمی را برای بقا زندگی فرد ایفا می نماید.

(۲) چگونگی رفتار انسانها به عنوان یک روش ارتباطی با اطرافیان شان محسوب میگردد. کودکان روشهای گوناگونی برای بیان کردن و نشان دادن امیال و خواسته های خویش دارند. وظیفه ما به عنوان والدین در برابر کودکان درک و برآورد کردن نیازهای فرزندانمان به بهترین نحو میباشد. اما در بعضی مواقع درک و تشخیص صحیح نیاز کودکان برای والدین امری دشوار محسوب میگردد.

(۳) اغلب اعمال و رفتار یکسان کودک میتواند دارای معانی و مفاهیم متفاوتی باشد. تجربیات گذشته والدین، شرایط و محیط زندگی آنها میتواند بر چگونگی برداشت آنها از نحوه ارتباطات شان با فرزندان خویش تاثیر گذار باشد. بنابراین والدین بر طبق برداشتهای شخصی و فردی خویش با کودکان خود برخورد می نمایند. در نتیجه نحوه برخورد والدین در برابر رفتار فرزندان شان می تواند صحیح و بدون ایراد باشد یا بالعکس.

(۴) والدین میبایستی برای دستیابی به بهترین روش برای برخورد با فرزندان شان یک گام به عقب و اندکی تأمل بنمایند. یکی از موارد و اصول مهم نظریه وابستگی تأمل و بررسی دلایل ایجاد یک رفتار میباشد. بر طبق این اصل والدین قادر به درک معنی و مفهوم رفتار و نیاز کودکان خویش میگرددند. در نتیجه والدین در شرایط مناسبتری همراه با آگاهی کامل تری نسبت به نیاز فرزند خود با کودکانشان برخورد می نمایند.

(۵) نحوه اعمال و رفتار فرد می تواند نقش تاثیرگذاری بر ایجاد ارتباطات با اطرافیان فرد داشته باشد.

بر طبق این اصل رابطه ای متقابل میان رفتار والدین و فرزند و بالعکس وجود دارد. این عبارت بدین معنا میباشد که رفتار والدین بر روی فرزندان شان تاثیر گذار میباشد و همچنین رفتار فرزندان بر روی والدین. بنابراین در نتیجه این تاثیر گذاری بین روابط دو طرفه فرزند و والدین الگو های مشخص و ثابت رفتاری برای هر دو طرف ایجاد میگردد. الگو های رفتاری ایجاد شده را میتوان به سه گروه تقسیم کرد:

الگوهای کاربردی و عملی، الگوهای غیر کاربردی و غیر عملی و الگو های میانی. تغییر الگوهای ایجاد شده در رابطه بین والدین و فرزند کاری بس سخت و دشوار میباشد اما نا ممکن نیست.

(۶) روشهای برقراری ارتباطات فرد، روابط و ارتباطات فرد را شکل میدهد. رفتار والدین بهعنوان یک وسیله ارتباطی با فرزندان شان محسوب میگردد. چگونگی ایجاد رابطه با فرزندان به اندازه نوع ارتباط مهم می باشد. دقت و توجه والدین به نوع رفتار و گفتار خویش در نحوه برخورد با فرزندان امری مهم و ضروری تلقی میگردد. زیرا که این دقت و توجه راه را برای والدین در چگونگی ایجاد ارتباط با فرزند خویش آسان میگرداند.